

Structural Analysis of Surahs Based on Simple-to-Complex Understanding: A Case Study of Surah Al-Saff

Mahdi Esmaeili Sadrabadi

1. Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities Hazrat Narjes (PBUH), Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran

esmaeili.sadr@gmail.com/<https://orcid.org/0000-0002-0764-3573>

*Scientific
article*

Received
2024/07/10

Accepted
2025/01/11

Abstract: *The organization (arrangement/order/sequence) of Quranic verses has been examined through various models. These studies often focus on the arrangement of words within a single verse or occasionally on the reasoning behind the placement of one verse after another. Understanding Quranic surahs can be approached in multiple ways, one of which is a step-by-step analysis from micro to macro levels—beginning with individual elements and culminating in intertextual connections. This research proposes a novel model to revolutionize the study of Quranic structure, employing a descriptive-analytical method to examine Surah Al-Saff through a part-to-whole approach. Findings indicate that comprehension based on lexical elements (vocabulary knowledge) is the first stage in understanding Surah Al-Saff. In this surah, the key terms "Hakīm" (The Wise) and "Īmān" (Faith) reflect its core themes. The second stage involves paragraph-based understanding. Surah Al-Saff contains two distinct contexts: the first addresses the conflict between monotheism and disbelief, while the second specifically addresses believers. The next stage is surah-centered comprehension, tied to the concept of teleological knowledge (i.e., each surah has a specific overarching purpose that unifies its verses). The primary objective of Surah Al-Saff is to address believers and encourage them toward jihad (struggle in the path of God). The final stage is inter-surah understanding, achieved through pairing (twinning) and thematic grouping. Surah Al-Saff is paired with Surah Al-Jumu'ah and is thematically linked to the "Musabbiḥāt" surahs (those beginning with divine glorification).*

Keywords Quranic comprehension, part-to-whole, element-to-composition, Surah Al-Saff, jihad.

Doi [10.22051/tqh.2025.47615.4223](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47615.4223)

publisher Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

ساختارشناسی سوره با محوریت تحلیل فهم ساده به پیچیده

(مطالعه موردی سوره الصف)

مهدی اسمعیلی صدرآبادی

استادیار علوم قرآن و حدیث گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی حضرت نرجس (س) دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

esmaeili.sadr@gmail.com / <https://orcid.org/0000-0002-0764-3573>

اطلاعات مقاله چکیده

نظم (سازمان‌دهی/ترتیب/چینش) آیات در قرآن با مدل‌های گوناگونی بررسی شده است. در این بررسی‌ها نظم، بیشتر به چینش الفاظ در یک آیه و گاهی به چرایی چینش یک آیه پس از آیه‌ای دیگر توجه دارد. فهم سوره قرآن از راه‌های مختلفی ممکن است که یکی از آن‌ها، بررسی مرحله به مرحله از جزء به کل است. این راه، از عناصر آغاز و به ارتباط بینامتنی ختم می‌شود. پژوهش حاضر الگویی نوین را به منظور تحول مطالعه نظم قرآن پیشنهاد کرده و با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی جزء به کل برای فهم سوره صف می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد فهم براساس عناصر آیات سوره، مربوط به دانش مفردات، نخستین مرحله فهم سوره صف است. در این سوره واژگان محوری «حکیم» و «ایمان»، بازتاب‌دهنده‌ی محتوای سوره‌اند. دومین مرحله، فهم پاراگراف محور است. سوره صف دو سیاق دارد؛ نخست در مورد تقابل توحید و کفر و دوم مختص مؤمنان است. مرحله سوم فهم سوره محور و مرتبط با دانش هدفمندی است (یعنی سوره هدف خاصی را دنبال می‌کند که روح کلی آیات سوره را در برمی‌گیرد). هدف کلی سوره صف، خطاب‌هایی به مؤمنان و تشویق ایشان به جهاد است. مرحله بعد، فهم بین سوره‌ها است که در قالب ارتباط زوجیت و هم‌گروهی محقق می‌شود. سوره صف با سوره جمعه، ارتباط زوجیت و با سوره‌های مسبحات، ارتباط هم‌گروهی دارد.

صص

۱-۳۰

نوع مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۴-۲۰

پذیرش:

۱۴۰۳-۱۰-۲۲

کلیدواژه‌ها: فهم قرآن، جزء به کل، عنصر به ترکیب، سوره صف، جهاد.

[10.22051/tqh.2025.47615.4223](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.47615.4223)

DOI

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناشر

۱. مقدمه

اصطلاح نظم قرآن تاکنون در قالب چند مفهوم استفاده شده است. نخستین آن‌ها نظم‌هایی است که به مطالعه عناصر قرآن می‌پردازد. اما نگاهی دیگر در مطالعه نظم قرآن به مطالعه محور چینش کلام می‌پردازد؛ یعنی این واژه‌ها در آیات قرآن چگونه چیده شده‌اند و آیات در سوره بر چه مبنایی سامان یافته است (حری، ۱۳۹۰، ص ۵۱-۵۹؛ ذوقی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱-۱۵۷).

سوره‌های قرآن کریم به مثابه متونی منسجم، دارای محتوا، ابتدا، هدف و انتهاییی دارای نظم هستند که اعجاز بلاغی و ادبی قرآن کریم را اثبات می‌نمایند. در مطالعات سوره‌شناسی، می‌توان نظم و هدف سوره را از جنبه‌های گوناگونی بررسی نمود. یکی از این راه‌ها که محور مقاله حاضر است، بررسی جزء به کل یا عنصر به ترکیب است که چند مرحله را دربردارد:

۱. ابتدا کوچک‌ترین واحد معنایی یا مفردات سوره بررسی می‌شود تا بتوان دریافت چه واژه‌های مهم و اثرگذاری در روح کلی و هدف سوره وجود دارد. خاطر نشان می‌گردد در این مرحله مفرداتی بیشتر بررسی می‌شوند که بسامد بیشتری در سوره دارند و محتوای سوره بر مدار این مفردات است؛ ۲. دومین مرحله، بررسی آیه محور است. هر آیه دارای مفهومی مستقل و معنادار است که به نوعی با آیات قبل یا پس از خود در ارتباط است، اما به تنهایی نیز معنا و مفهوم دارد؛ ۳. مرحله سوم، بررسی پاراگراف محور است که با تحلیل سیاق آیه، می‌توان محور آن را به صورت عملیاتی پیاده‌سازی کرد. هر سیاق دارای محور معنایی مستقل است، بدین مفهوم که چند آیه دارای معنای نزدیک به هم در یک گروه موضوعی قرار می‌گیرند؛ ۴. مرحله چهارم بررسی سوره محور است که به نظم دقیقی که یک سوره مشتمل بر آن است، می‌پردازد. بدین مفهوم که هر سوره دارای آغاز، انجام و هدف خاص و منظم است؛ ۵. مرحله پنجم یا مرحله آخر نیز تحلیل بینامتنی است که با مطالعه

سوره‌های هم‌جوار و هم‌گروه محقق می‌شود. بدین مفهوم که هر سوره با سوره هم‌جوار خویش دارای ارتباط لفظی و محتوایی است که این ارتباطها موجب ایجاد ارتباط زوجیت می‌گردد. مبنای هم‌گروه بودن نیز سرآغاز مشترک در سوره‌ها است (جهت مطالعه بیشتر رک: . (اصلاحی، ۱۹۸۰م، ج ۸، ص ۱۲۰؛ آقایی، ۲۰۰۹: سراسر اثر)). این موضوع را با بررسی زوجیت و هم‌گروهی سوره‌ها می‌توان دریافت و کشف نمود.

معناداری ارتباطات و پیوند میان آیات و سوره‌های قرآن کریم، از گذشته در قالب مطالعات سنتی علوم قرآنی تا به امروز، جزء دغدغه‌های مهم دانشمندان و مفسران این حوزه محسوب می‌شود. انسجام و هماهنگی میان اجزای کلام وحی در یک سوره خاص از دیرباز با رویکردهای متنوع قابل توجه بوده است و در دوران معاصر ذیل مطالعات جدید زبان‌شناسی از اهمیت و نقش بی‌بدیل بهره‌مند شده است، لذا در ارائه خوانشی نو و پیوسته از آیات شریفه، توجه مفسران و حتی قرآن‌پژوهان غربی را به خود معطوف نموده است. در واقع می‌توان گفت نگرش‌ها و رویکردهای متنوع امروزی، تطوریافته همان نظرات و بررسی‌های نظم و مناسبات مطالعات کهن سنتی (بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۳) است که به گونه‌ای روشمند تکامل یافته و با الفاظ و تعابیر متفاوت، به ارتباط و پیوستگی آیات و سوره‌های قرآن پرداخته‌اند.

پیوستگی ساختاری از جمله رویکردهای نوین زبان‌شناسی است که به تحلیل ساختار سوره و روابط و پیوندهای میان اجزای آیات و سوره‌ها می‌پردازد. سور قرآن تشکیل شده از اجزایی هستند که نگاه کلی‌نگر و سیستمی به روابط آن‌ها، به درک و دریافت خوانشی جامع‌تر از مفاهیم موجود در محتوای آن منجر می‌شود (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲؛ رزنوشه فراهانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۷۵)

پژوهش حاضر در راستای ارتقای سطح مطالعات فهم قرآن از مدل ساده به پیچیده و با مطالعه سوره صف، با بررسی کوچک‌ترین واحد معنایی سوره در درجه

نخست و سپس ارتقای مطالعه در سطح کلان به بررسی ارتباط بینامتنی سوره می‌پردازد تا روش‌های مختلف فهم را در این سوره به صورت عملی پیاده‌سازی نماید. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که بررسی جزء به کل در راستای فهم سوره صف چه نقشی در فهم و نظم این سوره ایفا می‌کند. خاطر نشان می‌گردد که مقصود از محوریت ساده به پیچیده در این پژوهش، آغاز نظم سوره با محوریت مفردات و ادامه آن با گزاره‌محوری و پاراگراف‌محوری و سوره‌محوری و در نهایت ارتباط بین سوره‌ای است که با این ارتباط، نظم کلان تحقق پیدا می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

فهم جزء به کل قرآن، با محوریت بررسی ساده (مفردات) به پیچیده، تاکنون به صورت مستقل، به جز یک پایان‌نامه، بررسی نشده است. این پایان‌نامه با عنوان «بررسی نظم در سوره هود با محوریت جزء به کل» که توسط مصطفی حضرتی (۱۴۰۰) به راهنمایی محمود ابوترابی در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دفاع شده، به این نتایج دست یافته است که فهم سوره هود از مفردات آغاز شده و تا بین سوره استمرار دارد. اما می‌توان مراحل که در پژوهش حاضر بررسی شده‌اند را در آثار زیر یافت: ۱. «نقش علائم وقف و ابتدا در فهم قرآن (مطالعه موردی وقف لازم)» نوشته ابراهیم فلاح؛ میثم خلیلی (۱۳۹۹)^۱. در این مقاله، برای نخستین بار به کاربرست عملی علایم وقف و ابتدا در فهم قرآن پرداخته شده و نشان داده شده است که علامت وقف لازم، نقش به‌سزایی در فهم صحیح گزاره‌های قرآنی دارد و اگر این علامت وقف رعایت نشود، معنایی خلاف مقصود خداوند متعال از آیات قرآن کریم حاصل می‌شود؛ ۲. «گونه‌شناسی ساختار چینشی آیات در رکوعات قرآنی (مطالعه موردی سوره بقره)» نوشته احمد زارع زردینی؛ محمد علی لسانی فشارکی؛ میثم

۱. مطالعات قرائت قرآن، ۸ (۱۵)، صص ۲۰۵-۲۲۴.

خلیلی؛ (۱۳۹۸)^۱. طبق نتایج این مقاله، رکوعات قرآنی که به مثابه پاراگراف‌های معنادار هستند، نقش قابل ملاحظه‌ای در فهم قرآن ایفا می‌نمایند؛^۳. «کاربست نظریه زوج‌سوره‌ها در فهم سوره‌های مزمل و مدثر» نوشته احمد زارع زردینی؛ میثم خلیلی (۱۳۹۷)^۲. در این مقاله، نظم قرآن، از محوریت سوره، به بین‌سوره‌ای ارتقا یافته است؛^۴. «بررسی نظم در سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین» نوشته احمد زارع زردینی (۱۳۹۵)^۳. در این مقاله راهکار اثبات نظم سوره‌های قرآن به جای آیه‌محوری به سوی سوره‌محوری پیشنهاد شده و نظم قرآن کریم به صورت سوره‌محور ارتقا یافته است؛^۵. «کاربرد روش تقسیم منطقی در شناخت مقصود مفردات قرآنی (مطالعه موردی واژه وحی در قرآن کریم)» نوشته حیدر باقری اصل (۱۳۹۲)^۴. اما باید گفت کاربری ترکیبی هر یک از روش‌های مذکور در فهم سوره‌ای خاص تاکنون به صورت مستقل بررسی نشده است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق به صورت توصیف داده‌ها مستند به آیات قرآن کریم با محوریت سوره صف و تحلیل آن‌ها مستند به منابع لغوی، تفسیری و تحلیل مؤلف است. نیز در راستای تحلیل داده‌های از دو روش هرمنوتیکی و سمانتیکی استفاده می‌شود. همچنین باید بیان داشت که روش پژوهش به صورت ابتدا تحلیل عناصر یا واژگان محوری سوره صف و سپس مراحل پیچیده‌تر نظیر آیات، سیاق، سوره و بین‌سوره‌ای است.

۱. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، (۲)۸، صص ۷۳-۹۴.

۲. مشکوة، (۱۴۱)۳۷، صص ۶۱-۸۵.

۳. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، (۱)۵، صص ۲۹-۴۶. <https://doi.org/10.30473/quran.2016.3414>

۴. کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم، (۱)۲، پیاپی ۳، صص ۱-۱۸.

۴. ارتباط نام سوره صف با محتوای آن

نام سوره برگرفته از آیه چهارم آن است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (الصف: ۴) علاوه بر این آیه، محتوای کل سوره نیز آینه تمام‌نمای نام سوره است. به عنوان مثال، در آیه یازدهم، ایمان و جهاد موجب سعادت دنیوی و اخروی عنوان گردیده است: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۱). براساس نظر طبرسی، درک اینکه ایمان و جهاد برای انسان بهتر است، موجب می‌شود که آن دو را از مال و جان خود بیشتر دوست داشته و بر اساس آن در نهایت به رستگاری برسد (طبرسی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۳۱۱). ارتباط این دو آیه، در فرمان دادن به جهاد در راه خدا است و این موضوع در آیه چهارم به شکل جمله خبری و در آیه یازدهم به صورت جمله امری است.

در آیه سیزدهم نیز نتایج جهاد در راه خداوند بیان گردیده است: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (الصف: ۱۳) «این آیه عطف به آیه بالا تَوْمُونٌ بِاللَّهِ است یعنی آن تجارتی که شما را از عذاب الیم نجات میدهد و بایستی این قسم از تجارت را دوست بدارید، یاری کردن خدا و در زمان نزدیک فتح و غلبه مؤمنین بر کفار است و ای رسول اکرم (ص) مؤمنین را به این فتح و مظفریت بشارت بده» (امین، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۲).

با در کنار هم نهادن این سه آیه ارتباط نام سوره و محتوای آن به خوبی روشن می‌شود. در آیه چهارم بیان شده که خداوند مجاهدان در راه خود را محبوب خود دانسته و این دوست داشتن، مسلمانان را ملزم می‌نماید تا در راه خدا جهاد نمایند و این جهاد، نتیجه اخروی نصرت و فتح و بشارت برای مؤمنان را به همراه دارد.

۴-۱. گام نخست: ارتباط مفردات سوره صف با محتوای سوره

در سوره صف، واژگانی وجود دارد که با محتوای سوره مرتبطند، لذا نخستین قدم برای فهم سوره صف، آشنایی با واژگان آن است. لازم به ذکر است که علت انتخاب این مفردات برای فهم هر چه بهتر سوره صف این است که اولاً این مفردات در سوره

دارای بسامد بیشتری هستند؛ دوم اینکه معنا و محتوای این مفردات، هر یک به نوعی آئینه مقصود و محتوای سوره صف است. به عنوان مثال، صفاتی که برای خدای تعالی در این سوره در قالب مفرده بیان شده، در ارتباط مستقیم با هدف سوره است.

۴-۱-۱. واژه «حکیم»

واژه «حکیم» از ریشه «حکم» است که اصل آن منع و بازداشتن برای اصلاح است. حِكْمَةٌ یعنی بحق رسیدن با علم و عقل. پس حکمت خدای تعالی شناسایی اشیاء و ایجاد آنها بر نهایت استواری از سوی اوست و حکمت انسان، شناختن موجودات و انجام نیکی‌ها و خیرات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۲۵). پس منظور از کاربرد «حکیم» برای خداوند، استواری در آفرینش و آگاهی خداوند از مخلوقات است. در آیه نخست سوره «الصف» از خداوند متعال با صفت «حکیم» یاد شده است: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الصف: ۱) سوره بر اساس و محور حکمت خدای تعالی می‌چرخد و در اکثر آیات این سوره حکمت خدای متعال به صورت صریح و یا ضمنی بیان گردیده است. به همین دلیل واژه حکیم به مثابه مفرده مهمی انتخاب گردیده است که آئینه تمام‌نمای محتوای سوره است. دو معنای یاد شده در مورد واژه حکیم یعنی نهایت استواری در خلقت و آگاهی، در سوره صف تجلی یافته است. به عنوان مثال، در آیه دوم، در توضیح بیشتر از واژه «حکیم»، در آیات دوم و سوم، با لحنی عتاب‌آمیز به مردم بیان شده که چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲ و ۳). دیدگاه علامه طباطبایی تأییدی بر مدعای ارتباط میان واژه «حکیم» با محتوای سوره است که می‌نویسد: «اگر سوره مورد بحث را با تسبیح و تنزیه خدا از هر نقص آغاز کرده برای این است که در این سوره سخن از بدی‌ها و توبیخ مؤمنین به میان آمده که چرا چیزی را می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند و آن گاه تهدیدشان کرده به اینکه اگر به خود نیابند، دچار خشم خدا گشته و خدا دل‌های تبهکاران را منحرف می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۴۲۰). طبق این تفسیر واژه حکیم دارای ارتباط مستقیم با محتوای سوره

صف است. افزون بر این آیات، در راستای تبیین بهتر تنزیه خداوند و نیز نقص بندگان الهی، به اذیت و آزارهای قوم موسی^(ع) اشاره شده است: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَني وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (الصف: ۵)، لذا این افراد، نقطه مقابل مقام تسبیح و تنزیه خداوند هستند؛ زیرا به آزار پیامبر^(ص) در قالب‌های مختلفی پرداخته‌اند.

۴-۱-۲. واژه محوری حبّ

از دیگر واژه‌هایی که در این سوره نقش محوری دارند، واژه «حبّ» است. ابن‌منظور درباره واژه حبّ می‌گوید: «الْحُبُّ: نَقِيضُ الْبُغْضِ. وَ الْحُبُّ: الْوُدَادُ وَ الْمَحَبَّةُ» (۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۹). راغب اصفهانی نیز محبت را به معنای خواستن و تمایل چیزی معنا نموده است که مشاهده و خیر پنداشته می‌شود (۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۹). لذا می‌توان حبّ را در مفهوم تمایل به امور خیر و ضدّ بغض دانست. در سوره مبارکه صف به این دلیل مفهوم «حبّ»، محوری و مرتبط با کل سوره است که این واژه با مفهوم جهاد ارتباط می‌یابد که دارای هدف مستقیم با سوره است. یعنی خداوند مجاهدان در راه خود را دوست دارد. در سوره صف، واژه «حبّ» دارای بسامد دو مرتبه‌ای است. نخستین کاربرد آن در آیه چهارم سوره است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنَيًّا مَرْصُوصًا» (الصف: ۴) در این آیه از واژه «حبّ» به صورت فعل مضارع استفاده شده است. در تفسیر مراغی در مورد این آیه آمده است که محبت خداوند طبق این آیه شامل حال افرادی می‌گردد که در زمان قتال، به صورت یکپارچه خود را مهیا می‌سازند و هیچگونه اختلاف و شکافی بین ایشان وجود ندارد (بی‌تا، ج ۲۸، ص ۸۱). دومین کاربرد این کلمه در حوزه جهاد است: «وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (الصف: ۱۳) (و نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ!) وجه تمایز «حبّ» در این دو آیه این است که در آیه سیزدهم، از محبت بنده سخن به میان آمده است و در آیه چهارم، از محبت خداوند یاد شده بود. در حقیقت در این آیات، ارتباط دو سویه خداوند و مؤمنان، در قالب محبت متقابل در موضوعی واحد بیان گردیده است که

همان جهاد است؛ به گونه‌ای که اگر محبت خداوند را در موضوع جهاد در راه خدا جلب نمایید و در جهاد بدون سستی حاضر شوید، نتیجه آن نصرت و یاری خداوند است.

۴-۱-۳. واژه محوری ایمان

ایمان از جمله واژگان محوری سوره مبارکه صف است. ارتباط ایمان با محتوای سوره صف در این است که مؤمنان هستند که در جهاد شرکت می‌کنند و ایمان و جهاد لازم و ملزوم هم هستند. ایمان از ریشه «أمن» و در لغت به معنای ایمنی و آرامش قلبی و تسلیم است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲۳). در آیه دوم سوره صف، با لحنی تویخ‌آمیز از مؤمنان خواسته شده تا به آنچه که می‌گویید، عمل نمایید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲)؛ خطاب "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" و تعبیرات آیات بعد همگی نشان می‌دهد که مخاطب مؤمنان واقعی هستند، اما مؤمنانی که هنوز به سر حد کمال ایمان نرسیده‌اند و کردارشان هماهنگ نشده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۶۲).

در آیات انتهایی سوره «صف» نیز خطاب‌هایی به مؤمنان با گزاره «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مطرح گردیده است. در آیه دهم، از تجارتي سخن به میان آمده که مایه نجات است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (الصف: ۱۰)؛ در آیه بعدی، این تجارت بدین شکل توضیح داده شده است: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۱)، طبق این آیه، این تجارت ایمان و جهاد در راه خدا عنوان گردیده است. در اینجا است که نقش محوری ایمان و جهاد خود را بهتر نشان می‌دهد و ایمان و جهاد لازم و ملزوم یکدیگر هستند و این همان محتوای محوری سوره صف است. نتیجه لازم و ملزوم بودن ایمان و جهاد، در آیه دوازدهم، مغفرت و بهشت عنوان گردیده است: «يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الصف: ۱۲)، کاربرد دیگر ایمان در آیه چهاردهم سوره است که در آن، از مؤمنان خواسته تا همانند حواریون حضرت عیسی^(ع) باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي

إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (الصف: ۱۴). در این آیه یاری دین خدا، به مؤمنان فرمان داده شده و برای ایشان، حواریون حضرت عیسی (ع)^(۴) مثال زده شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۴۴۰؛ طالقانی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۵۰). نقش محوری ایمان و جهاد در راه خدا که در واقع هدف سوره است، در این آیه نیز به خوبی مشخص بوده و در آن، به شکل دیگری از جهاد که همان جهاد در راه ترویج معارف دینی است، تأکید شده است.

۴-۱-۴. واژه محوری مرصوص

واژه "رَصَّ" به معنی الصاق و ضمّ اجزاء چیزی در یکدیگر است. قلع و سرب را رصاص گفته‌اند که اجزایش به هم فشرده‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۰۱). در آیه چهارم صف از واژه محوری «مرصوص» استفاده شده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» از آنجایی که در سوره صف، یادکرد بسیاری از مجاهدان در راه خدا شده است، بیان یکی از مهم‌ترین اوصاف ایشان در آیه چهارم سوره صف یعنی «مرصوص» موجب گردیده تا این آیه و نیز این واژه، به عنوان محوری در راستای بیان هدف سوره یعنی بیان جهاد در راه خدا شود.

«تعبیر به "بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ" جالب‌ترین تعبیری است که در این زمینه وجود دارد، در يك بنا یا سد عظیم هر کدام از اجزاء نقشی دارند، ولی این نقش در صورتی مؤثر می‌شود که هیچگونه فاصله و شکاف در میان آنها نباشد و چنان متحد گردند که گویی يك واحد بیش نیستند، همگی تبدیل به يك دست و يك مشت عظیم و محکم شوند که فرق دشمن را درهم می‌کوبد و متلاشی می‌کند!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۶۶).

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت واژه مرصوص از جمله واژگان اساسی سوره است که در صدد بیان اوصاف مجاهدان حقیقی در راه خداست که اوصاف آن‌ها در سراسر سوره مطرح گردیده است.

۴-۲. گام دوم: تحلیل سیاق‌های سوره صف

خوانش مبتنی بر دسته‌بندی آیات، روشی مهم برای فهم مفسر از آیات قرآن کریم است. دسته‌بندی‌های هر مفسر از آیات قرآن، نشانگر فهم موضوعی است که از آیات به دست می‌آید؛ به گونه‌ای که شاید فهم موضوعی یک مفسر با مفسر دیگر متفاوت باشد. از مبانی مهم تقسیم‌بندی موضوعی آیات سور، توجه به سیاق است. «سیاق»، ساختار یا معنایی کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات قرآنی که از جمله جملات هستند، سایه می‌افکند و بر معنای آن اثر می‌گذارد. لازم به ذکر است که سیاق، در مواردی به کلمات و جملاتی اطلاق می‌شود که پیرامون واژگان یا عبارات مورد تفسیر قرار گرفته است و علت آن این است که خصوصیت یاد شده را پدید می‌آورد که در این صورت سیاق همان قرائن متصل به کلام خواهد بود» (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۹۳).

۴-۲-۱. سیاق نخست: آیات اول تا نهم

آیات نخست تا نهم سوره صف به مثابه یک سیاق است. (همان، ص ۶۹) در این آیات، به گفتمان مقابل توحید و کفر پرداخته شده و سرمداران گفتمان توحیدی، انبیای الهی معرفی شده‌اند؛ هر یک از این دو گروه برای رسیدن به هدف خویش تلاش می‌کنند که هدف گروه نخست توحیدی و هدف گروه دوم کفر و شرک است. در ابتدا، مؤمنان را نکوهش می‌کند که چرا عمل و گفتارشان یکسان نیست: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲ و ۳)؛ از ویژگی‌های مؤمنان، جهاد مخلصانه در راه خدا است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِيًّا مَرْصُوصًا» (الصف: ۴) در راستای تلاش‌های توحیدی در دو آیه بعدی به دو تن از انبیا اشاره شده که تلاش‌هایی برای برپایی توحید نمودند و در مقابل، کافران و فاسقان قوم بودند که عکس‌العمل کافران و فاسقان، فسق و سحر پنداشتن آموزه‌های آنان بود: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ * وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ» (الصف: ۵ و ۶). در آیه هفتم نیز، نتیجه ظلم و تکذیب

بیان گردیده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (الصف: ۷). در آیه هشتم، به تلاش بی نتیجه کفار اشاره شده است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (الصف: ۸). در آیه انتهایی رکوع نیز یکی از راه‌های نابودی ترفندهای کافران را ارسال رسول برای هدایت مردم می‌داند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف: ۹).

۲-۲-۲. سیاق دوم: آیات دهم تا چهاردهم

سیاق دوم سوره نیز شامل آیات دهم تا چهاردهم است. آیات این سیاق با خطاب به مؤمنان به صورت «یا ایها الذین آمنوا» آغاز می‌شود که با بسامد دو مرتبه‌ای، فرامین و توصیه‌هایی برای مؤمنان در آن مطرح گردیده است. نخستین خطاب در آیه دهم به تجارتي توصیه می‌کند که نجات‌دهنده انسان از عذاب اخروی است و تبیین آن در آیه بعد است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۰ و ۱۱). در ادامه آیات رکوع و در دو آیه بعدی، ثمره این تجارت بیان گردیده است: «يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَآخِرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (الصف: ۱۲ و ۱۳). در آیه انتهایی رکوع نیز تکرار گزاره «یا ایها الذین آمنوا» از مؤمنان خواسته شده تا وفاداری خویش را به پیامبر (ص) همانند حواریون عیسی (ع) ثابت نمایند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (الصف: ۱۴).

۳-۴. گام سوم: کشف پل ارتباطی میان دو سیاق

ارتباط میان آیات دو رکوع، با عبارت «یا ایها الذین آمنوا»، صورت پذیرفته که در ابتدای آیات هر دو سیاق می‌توان این گزاره را یافت. با این تفاوت که در سیاق نخست،

گفتمان توحید محور و نقطه مقابل آن بیان گردیده و در سیاق دوم، فرامینی در خطاب به مؤمنان مطرح شده و نیز الگوهای در راستای نیل به مراحل توحیدی بیان شده‌اند تا با تأسی از آن‌ها سعادت دنیوی و اخروی حاصل آید.

۴-۴. گام چهارم: تحلیل سوره محور

هر متن یا گفتمان، نظامی زبانی و شامل مناسبات و روابط درونی خاصی است که یک مفسر با روش‌های مختلفی می‌تواند این مناسبات را کشف نماید (واعظی، ۱۳۸۳، ص ۳۲). بررسی این روابط درونی، ما را به نظم موجود در گفتمان خاص رهنمون می‌سازد. آیات و سوره‌های قرآن به‌مثابه گفتمان الهی در راستای هدایت بشر، دارای ساختار ادبی و ترتیب و گفتمانی به‌هم‌پیوسته و ساختاری منسجم هستند که از آن به نظم قرآن تعبیر می‌شود (claude&larcher'2003: vol.3'126). مطالعات نظم در قرآن، به‌عنوان کلام خداوند و وحی مصون از تحریف الهی، از کوشش‌های مهم و بنیادین بلاغی در راستای مطالعه گفتمان الهی و درک و اثبات اعجاز متنی قرآن کریم است که از جنبه‌های گوناگون، این نوع اعجاز را بررسی و واکاوی می‌کند. کشف نظم در قرآن، سلسله مراتبی دارد که عبارت‌اند از نظم آیه‌ای، نظم بخشی (گفتمانی)، نظم سوره‌ای و نظم بینامتنی (دو سوره یا چند سوره) (عظیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳). در هر یک از این مراحل، ابعادی خاص از نظم قرآن بررسی می‌شود که هر کدام نشانگر اعجاز چینش واژه‌ها، گزاره‌ها، بخش‌ها و سوره‌هاست. در اکثر مطالعات اثبات نظم قرآن، به بررسی نظم با محوریت آیات یا چند آیه پرداخته شده است؛ اما باید گفت با مطالعه دقیق ابعاد آیات مشتمل بر یک سوره، می‌توان گونه‌های متنوعی از نظم را مشاهده نمود که کمتر تأمل شده است. کوشش این پژوهش در راستای سلسله مراتب نظم، ارتقای مطالعه ابعاد مختلف نظم قرآن، از محوریت آیه یا بخش، به محوریت سوره است. هر سوره دارای مقاصد و اهداف معین و مشخصی است که آن را در طول آیاتش دنبال نموده و درجه‌به‌درجه و قدم‌به‌قدم، برای تحقق آن پیش می‌رود و همین که هدف‌اش تأمین شد، سوره هم با همان، تکمیل گشته و در طی آیات معدودی، خاتمه می‌یابد؛ چه آیات آن زیاد باشد و چه کم (معرفت و مولایی‌نیا، ۱۳۷۳، ص ۱۸). به بیانی دیگر، هر سوره مقاله و مطالب مستقل و کاملی است که مقدمه، متن و نتیجه‌گیری مستقلی از سوره‌های

دیگر دارد، هر چند مطالب سوره‌ها اعم از داستان انبیاء و امت‌ها و بهشت و جهنم و توحید و قیامت، مشابه هستند، اما اگر دقت کنیم می‌بینیم در هر سوره طرح مطالب دقیقاً در ارتباط با محور همان سوره قرار دارد و تفاوت‌های حاصل، ناشی از تفاوت مضامین سوره‌ها است (ایازی، ۱۳۷۹، ص ۲۷). سوره‌های قرآن، دارای یک هدف اصلی‌اند و محتوای سوره با محورها و مقاصد فرعی قابل تفکیک است؛ هر دسته از آیات به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، ذیل یک محور فرعی قرار می‌گیرند. این محورها در یک نکته اساسی مشترک‌اند که هدف و غرض اصلی سوره را تشکیل می‌دهد (خامه‌گر، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

محوریت و غرض سوره صف، جهاد با دشمنان، تشویق به فداکاری در راه خداوند و بیان پاداش بزرگ مجاهدین در راه خدا است. (زحیلی، ص ۳۵۳) به بیانی دیگر، این سوره مؤمنان را به جهاد در راه خدا و قتال با دشمنان دین دعوت می‌کند و خبر می‌دهد که این دین نوری درخشان از جانب خداست، که کافران از اهل کتاب می‌خواهند آن را با دهان خود خاموش نمایند؛ اما خدا نور خویش را تمام کرده و دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد؛ هر چند که مشرکان نخواهند؛ و این پیامبری که به او ایمان آورده‌اند، فرستاده‌ای از جانب خداست؛ او را فرستاده تا هدایت باشد و دین حق را به شما برساند و این همان است که عیسی^(ع) بنی‌اسرائیل را به آمدن او بشارت داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۴، ص ۵۷). شحاته هدف اصلی سوره را دو امر شمرده است:

۱. دعوت به جهاد و تشویق به سوی آن و مهم‌ترین انگیزه تشریح جهاد این بوده که مسلمین بعد از تمرکز در مدینه از حقوق خویش دفاع نمایند و هر نوع ستمی را از خود دفع کنند.

۲. بیان یکی بودن رسالت‌ها و بشارت حضرت مسیح^(ع) به پیامبر^(ص) و اینکه اسلام خاتم ادیان الهی است (شحاته، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۶ - ۲۷۷؛ ابن‌عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۵۵).

۴-۵. گام پنجم: تحلیل بین سوره‌ای

گام بعدی برای فهم سوره‌های قرآن از جمله سوره‌های مسبحات، تحلیل آن‌ها با استفاده از سوره‌های مرتبط باهم از نظر لفظ و محتوا است که در دو قالب ارتباط زوجیت و هم‌گروهی سوره‌ها قابل بررسی است.

از جمله موضوعات مناقشه‌ای از قرن‌های پیشین در حوزه علوم قرآنی که مورد اختلاف نظریات اندیشمندان این علم بوده، وجوه تناسب و ارتباط یا عدم ارتباط سُور مجاور است. این موضوع امروزه با دگرگونی و وسعتی که در آن به وجود آمده کاملاً با گذشته متفاوت گردیده و برخی از نتایج آن به شکل نظریه‌ای مدوّن به عنوان «نظام زوجی سوره‌ها» شناخته شده است.

شاید نخستین بار امین احسن اصلاحی اصطلاح «زوج سوره‌ها» را استفاده کرد و بعدها دیگران هم این اصطلاح را استفاده کرده و آن را گسترش داده‌اند. اصلاحی تعداد بسیاری از سوره‌ها (۸۲ سوره از قرآن) را به صراحت جفت سوره محسوب کرده و بر این عقیده است که ۱۶ سوره دیگر هم می‌تواند به این مجموعه اضافه شود؛ سه سوره به مثابه تکمله برای سوره قبلی تلقی گردیده‌اند. بدین مفهوم که در این سوره‌ها یک موضوع مهم مفصلاً آمده است که در سوره قبلی مختصراً مطرح شده است. بدین ترتیب به استثنای سوره حمد به علت شرایط خاص آن، دوازده سوره خارج از این نظریه واقع شده‌اند. لذا دسته‌بندی سُور در نظر اصلاحی بدین شکل است:

۱- جفت سوره‌ها: البقرة / آل عمران؛ الأنعام / الأعراف؛ یونس / هود؛ یوسف / الرعد؛ النحل / الإسراء؛ الکهف / مریم؛ طه / الأنبياء؛ الحج / المؤمنون؛ الفرقان / الشعراء؛ النمل / القصص؛ العنكبوت / الروم؛ لقمان / السجدة؛ سبأ / الفاطر؛ یس / الصافات؛ ص / الزمر؛ الشوری / الزخرف؛ الدخان / الجاثیه؛ ق / الذاریات؛ الطور / النجم؛ الصف / الجمعة؛ الملک / القلم؛ الحاقه / المعارج؛ نوح / الجن؛ المزمّل / المدثر؛ القيامة / الإنسان؛ المرسلات / النبأ؛ النازعات / عبس؛ التکویر / الإنفطار؛ البروج / الطارق؛ الأعلى / الغاشیه؛ الفجر / البلد؛ الشمس / اللیل؛ الضحی / الشرح؛ التین / العلق؛ القدر / البینة؛ القارعة / التکاثیر؛ العصر / الرّهْمَة؛ الفیل / قریش؛ الماعون / الکوثر؛ الکافرون / النصر؛ الفلق الناس.

۲- **ملحق به جفت سوره‌ها:** با این که اصلاحی از این گروه به اسم جفت سوره یاد نموده، اما وصف وی در مورد آن‌ها بر پیوند مشابهی بین آنها دلالت می‌نماید: النساء / المائدة؛ الأنفال / التوبة؛ ابراهیم / الحجر؛ غافر / فصلت؛ المجادلة / الحشر؛ الطلاق / التحريم؛ الزلزلة / العاديات؛ المسد / الإخلاص.

۳- **تکمله:** سوره النور تکمله سوره المؤمنون و سوره الحجرات تکمله سوره الفتح است. سوره الأحزاب تکمله یک گروه سوره است.

۴- **بدون جفت:** سوره الفاتحة مقدمه قرآن و همچنین مقدمه گروه سوره نخست است. لذا نیاز به سوره دیگر جهت تشکیل جفت ندارد.

۵- **بدون توضیح:** سُور الأحقاف، محمد، الفتح، القمر، الرحمن، الواقعة، الحديد، الممتحنة، المنافقون، التغابن، المطففين و الإنشاق بدون توضیح رها گردیده‌اند (آقایی، ۱۳۸۸: سراسر اثر با اندکی تلخیص).

از دیگر افرادی که به طرح و تبیین این نظریه در ایران همت نموده، دکتر محمد علی لسانی فشارکی است. او به همراه دکتر حسین مرادی زنجانی در کتاب *سوره‌شناسی: روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم*، به طرح و تبیین این دیدگاه پرداخته‌اند و تا اندازه‌ای روشی آسان‌تر و کارآمدتر جهت یافتن زوج سوره‌ها پیشنهاد نموده‌اند. از منظر ایشان جهت تعیین زوج سوره‌های قرآن، پس از سوره الحمد، سُوری که عدد ترتیب آن‌ها زوج است با سوره بعدی که عدد فرد است، زوج‌اند. جهت نمونه سوره‌های دوم و سوم (البقرة / آل عمران). و این موضوع تا سوره ق استمرار می‌یابد و از آن سوره به بعد، سوره‌هایی که عدد ترتیب آنها فرد است با سوره بعدی که عدد زوج است، زوج محسوب شده‌اند. جهت نمونه سوره ۵۱ و ۵۲ (الذاریات / الطور) تا انتهای قرآن. در این نظریه سوره‌های الحمد و ق دارای زوج نیستند (لسانی فشارکی، ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۲۳).

معیار گروه‌بندی سوره‌ها در آموزه‌های نبوی، سرآغاز مشترک آن‌هاست. سوره‌هایی که حروف مقطعه با کلمات و عبارات آغازین آن‌ها همسان یا هم‌خانوده‌اند، در یک گروه قرار می‌گیرند. این همسانی و تشابه در آغاز سوره‌های هم‌گروه، حاکی از پیوند میان آن‌ها: در مضمون و محتوا، محور موضوعی، اهداف، مقاصد و

کارکردهاست. ما می‌توانیم با الگوگیری از تعالیم معصومین در گروه‌بندی سوره‌ها، علاوه بر مواردی که در روایات معرفی شده‌اند، مجموعه‌های دیگری از سوره‌ها را شناسایی کرده و در قالب گروه‌های مختلف بررسی کنیم. یکی از این گروه‌ها که از دیرباز در میان مردم معروف و مشهور بوده و مبتنی بر همین تعالیم آسمانی بوده است، رده‌بندی و دسته‌بندی چهار سوره: الناس، الفلق، الإخلاص و الکافرون تحت عنوان «چهارقل»، «قلاقل» یا «ذات القلاقل» می‌باشد؛ یعنی سوره‌هایی که با کلمه «قل» آغاز می‌شوند (لسانی فشارکی، ۱۳۸۶ش).

این گروه‌بندی تحت این عناوین، ریشه روایی و حدیثی ندارد؛ اما مبتنی بر نظام گروه‌بندی سوره‌ها در سیره معصومان است. قدر مسلم در تشخیص معیار گروه‌بندی، همین فواتح سور است که اولاً در احادیث معتبر و متعدد، به آن‌ها عنایت و توجه خاص شده است و ثانیاً بزرگانی همچون علامه طباطبایی نیز بر این معیار صحه گذاشته و بر آن تأکید نموده و اشتراک در فواتح سوره‌ها را نشانه تقارن موضوعی آن‌ها دانسته‌اند؛ تا آنجا که می‌توان کم و زیاد شدن یک حرف در فواتح سور را حاکی از کاستی یا فزونی موضوعی از موضوعات در آن سوره دانست؛ کما اینکه افزونی حرف «میم» در آغاز سوره الرعد (الر)، از زیادت مضمونی و محتوایی این سوره نسبت به سوره‌های هم‌گروه خود حکایت دارد که با «الر» آغاز می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ص ۹).

۵. ارتباط زوجیت سوره‌های صف و جمعه

سوره‌های «الصف» و «الجمعة»، سوره‌هایی هستند که طبق نظریه زوجیت به مثابه زوج سوره محسوب می‌شوند. این دو سوره علاوه بر شباهت‌های مفهومی، شباهت‌های ظاهری از جمله تکرار کلمات نیز دارند.

۵-۱. شباهت آغازین زوج سوره

ابتدای هر دو سوره با تسبیح خداوند و با الفاظی مشابه است؛ زیرا که هر دو از «مسبحات» بوده و این شباهت تاحدی است که در فواصل آیات آغازین آن‌ها، تنزیه خداوند با الفاظ مشابه «و هو العزیز الحکیم» به کار رفته است.

در آیه ابتدایی سوره صف می‌خوانیم:

«سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الصف: ۱)

در آیه ابتدایی سوره الجمعه نیز می‌فرماید:

«يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (الجمعة: ۱)

۵-۲. شباهت‌های محتوایی

شباهت‌های زیادی که در محتوای این دو سوره وجود دارد، ما را به اثبات نظریه زوجیت این دو سوره رهنمون می‌سازد که اهم آن‌ها عبارتند از:

۵-۲-۱. تأکید به موهبت بعثت پیامبر (ص)

اهداف رسالت پیامبر (ص) در زوج سوره با دو گونه مختلف و محتوایی مشابه بیان گردیده است. هدف اصلی این آیات در بیان هدف رسالت، هدایت بشر و خارج نمودن از ضلالت است. در این زمینه آیه ۹ سوره صف می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف: ۹).

در آیه دوم سوره مبارکه جمعه اهداف بعثت، متفاوت‌تر و مصداقی‌تر بیان گردیده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الجمعة: ۲)

در این آیه، علاوه بر مردمی پنداشتن بعثت پیامبر (ص) به رأس برنامه‌های بعثت یعنی تعلیم و تزکیه اشاره شده است. همچنین مهم‌ترین هدف بعثت را خارج نمودن گمراهان از گمراهی می‌داند.

هدایت کلی پیامبر (ص) با هدف ترویج جهانی آیین حق، جهت زدودن گمراهی و آیین‌های باطل، ابتدا محدود به منطقه‌ای است که پیامبر (ص) در آن مبعوث شده

است. پیامبر (ص) ابتدائاً مأمور به تلاوت آیات و تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت به قوم خود و در درجه بعدی جهانی سازی آیین حق است.

۵-۲-۲. کاربرد تجارت در قالب واقعی و استعاری

از واژه‌های مشترک دو سوره، کلمه «تجارت» است. با این تفاوت که در سوره «الصف»، در مفهوم استعاری و در سوره «الجمعة» در معنای حقیقی به کار رفته است. در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره «الصف»، ایمان به خدا و جهاد در راه خدا، به عنوان تجارتی در راستای نجات از آتش جهنم معرفی شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۰ و ۱۱).

در آیه انتهایی سوره مبارکه «الجمعة»، به مؤمنان توصیه شده که تجارت را جهت اقامه نماز در روز جمعه رها کنند:

«وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (الجمعة: ۱۲).

مادیات و نفسانیات دو عامل مهم غفلت از یاد خداوند است که در آیه شریفه در قالب دو مفهوم تجارت و لهو تجلی یافته است. مطالعات فرهنگی
معنای مجازی و حقیقی تجارت با هم مرتبطند. بدین مفهوم که رها کردن تجارت در هنگام برپایی نماز، یکی از نشانه‌های ایمان است که مسلمانان به وسیله این موضوع مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

۵-۲-۳. توبیخ عمل نکردن به اندیشه‌های دینی

عمل نکردن و عدم تعمق در آموزه‌های دینی، در هر دو سوره در قالب‌های گوناگون اشاره شده است. در آیات ابتدایی سوره «الصف»، توبیخ عمل نکردن به گفتار چنین است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (الصف: ۲ و ۳)»

همین موضوع در سوره «الجمعه»، در قالبی متفاوت تر بیان شده و یهودیانی نکوهش شده‌اند که صرفاً تورات را می‌خوانند، ولی به آن عمل نمی‌کنند:

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (الجمعة: ۵).

نقطه مشترک هر دو سوره، توییح عمل نکردن به آیین است. حال لحن گفتار در دو سوره متفاوت است. این تفاوت را می‌توان در مفهوم کلی و مصداقی دریافت. بدین معنا که در سوره «الصف» به صورت کلی به مؤمنان دستور داده تا آنچه می‌گویند، عمل کنند؛ اما در سوره «الجمعه» به صورت مصداقی، یهودیانی سرزنش شده‌اند که به آیین خود عمل نمی‌کنند.

۵-۳. شباهت پایانی زوج سوره

از شباهت‌های مهمی که موجب تقویت نظریه زوجیت سوره‌های «الصف» و «الجمعه» می‌گردد، شباهت پایانی دو سوره است. هر دو سوره با توصیه‌هایی مشابه به مؤمنان پایان می‌یابد. در آیه دهم سوره «الصف»، تجارت‌های معنوی پرسود برای مؤمنان، ایمان به خدا و رسول و جهاد در راه خدا معرفی شده است. همچنین در آیه چهاردهم، به مؤمنان فرمان داده شده تا دین خدا را یاری و نصرت دهند. در آیات نهم تا یازدهم سوره «الجمعه» یا سوره زوج، توصیه‌هایی به مؤمنان در مورد نماز جمعه شده است. شتاب به سوی ذکر خدا و رها کردن خرید و فروش و تلاش برای کسب روزی حلال پس از اتمام نماز، توصیه‌های خداوند پیرامون نماز جمعه در آیات انتهایی سوره «الجمعه» است.

۶. پیوندهای مفهومی سوره‌های هم‌گروه مسبحات

معیار گروه‌بندی سوره‌ها در آموزه‌های نبوی، سرآغاز مشترک آن هاست. یکسانی و تشابه در ابتدای سوره‌های هم‌گروه، حاکی از پیوند میان آن‌ها در مضمون و محتوا، محور موضوعی، اهداف، مقاصد و کارکردهاست. یکی از این گروه‌ها که از دیرباز در میان مردم، معروف و مشهور بوده و مبتنی بر همین تعالیم اسلامی بوده است، رده‌بندی و دسته‌بندی چهار سوره: الناس، الفلق، الإخلاص و الکافرون تحت عنوان «چار قل» است؛ یعنی سوره‌هایی که با کلمه «قُل» آغاز می‌شوند. ارتباط‌های محتوایی در سوره‌های هم‌گروه چهارقل را می‌توان با محوریت توحید دانست که در سوره‌های التوحید و الکافرون، این ارتباط از نوع تقابل توحید و شرک (ایجابی و سلبی)، و در سوره‌های التوحید، الفلق و الناس، از نوع ارتباط تبیین توحیدی ربوبیت الهی پس از بیان توحید در عبادت است. در تشخیص معیار گروه‌بندی سوره‌ها، فواتح سور است که با مراجعه به آغازین سور، می‌توان هم‌گروه‌های سور جاری را تشخیص داد و تعامل و گفت‌وگوی آن‌ها را جست‌وجو کرد (لسانی فشارکی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۱۸).

در سوره‌های مسبحات^۱ دو جریان خیر و شر در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند که در برخی سوره‌ها، در قالب تقابل ایمان و کفر؛ در برخی از آن‌ها در قالب تقابل اهل کتاب نکوهش شده و مؤمنان؛ در قالب برخی اعمال ستوده و اعمال نکوهیده مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در برخی سوره‌ها نیز به تنهایی به جریان خیر یا شر تأکید شده است.

در این راستا، سوره «الحدید»، با هدف تحریک و تشویق جامعه ایمانی به پرداخت انفاق و صدقه در راستای زدودن فقر و تعالی و پیشرفت جامعه ایمانی نازل شده است. این موضوع در آیاتی از این سوره که فرمان به پرداخت انفاق و به خصوص در

۱. شامل سوره‌های، الحدید، الحشر، الصف، الجمعة و التتغابن.

هنگام جهاد می دهند (آیه ۷)، توبیخ عدم پرداخت انفاق و صدقه (آیه ۱۰)، بیان پاداش انفاق در راه خدا (آیات ۱۱ و ۱۸) و توبیخ بخل و خساست (آیه ۲۴) تجلی یافته است. سوره «الحشر» به تنهایی به معرفی برخی جریان‌های باطل زمان پیامبر^(ص) اختصاص دارد. بنابر گفته علامه طباطبایی، «این سوره به داستان یهودیان بنی‌النضیر اشاره دارد که بخاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند. و نیز به این قسمت از داستان اشاره دارد که سبب نقض عهدشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض عهد کنید ما شما را یاری می‌کنیم، ولی همین که ایشان نقض عهد کردند، منافقین به وعده‌ای که داده بودند وفا نمودند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۴۸).

اما در سوره «الصف» که از دیگر سوره‌های مسبحات در اجزاء منتخب است، ایده آل ایمانی تبیین گردیده است. در این راستا و برای این تبیین، توصیه‌ها و اوامری برای مؤمنان مطرح گردیده است. فرمان به مؤمنان که به آنچه می‌گویید، عمل نمایند (آیات ۲ و ۳)، مدح استقامت و پایداری در راه خدا و تشویق مؤمنان به این موضوع (آیه ۴)، توصیه به ایمان و جهاد در راه خدا (آیات ۱۱-۱۳) و در نهایت تشویق مؤمنان به یاری کردن خداوند (آیه ۱۴) توصیه‌های مطرح شده در این سوره برای مؤمنان است که عمل به آن‌ها، ایده آل جامعه ایمانی را تضمین می‌کند.

سوره جمعه در ادامه روند توصیه به مؤمنان در سوره‌های مسبحات، توصیه‌هایی احکامی و وحدتی به ایشان می‌نماید که این توصیه‌ها در آیات پایانی سوره تجلی یافته است. فرمان به برپایی نماز جمعه و گوش فرا دادن به ذکر الهی و رها نمودن تجارت و کسب و کار در هنگام برپایی نماز (آیه ۹) و فرمان به استفاده از نعمت‌های الهی و یاد کردن از خدا پس از اتمام نماز (آیه ۱۰)، توصیه‌های به مؤمنان در آیات این سوره شریفه است.

در سوره «التغابن» به عنوان آخرین سوره از سور مسبحات اجزاء ۲۷ و ۲۸ قرآن، تقابل دو گروه مؤمن و کافر مطرح گردیده که در آیه دوم این سوره به صورت کلی از این دو گروه یاد شده و در ادامه آیات این سوره، این کلیت بسط یافته و جزئی گردیده است. در این راستا به صفات مؤمنان و کافران پرداخته شده و عاقبت اعمال ایشان بیان گردیده است.

• نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که در راستای فهم جزء به کل سوره صف و با بررسی خردترین مفهوم یعنی مفردات تا کلان‌ترین مفهوم یعنی بینامتنیت این سوره انجام گرفت، به دستاوردهای زیر دست یافت:

۱. کوچک‌ترین واحد معنایی در یک جمله، کلمه است و در زبان قرآن، بررسی واژه یا کلمه، مرتبط با دانش مفردات است. اهم مفردات سوره صف عبارت‌اند از واژگانی نظیر: «حکیم»؛ «حَبَّ»؛ «ایمان» و «مرصوص» که با بررسی این واژگان می‌توان چشم‌اندازی از فهم کلی سوره را متصور شد. مثلاً در مورد واژه حکیم، این واژه آینه تمام‌نمای محتوای سوره است. خداوند متعال با وصف حکیم در صدد بیان این مطلب است که نسبت به رفتارهای مؤمنان واقعی آگاه است و نیز مؤمنانی که در ایمان خویش صادق نیستند و رفتارشناسی ایشان در سوره صف بیان گردیده است.

۲. مرحله دوم فهم سوره، فهم بر مبنای پاراگراف یا واحد معنایی است. سوره صف دارای دو سیاق است که ارتباط میان آیات دو سیاق، با عبارت «یا ایها الذین آمنوا»، صورت پذیرفته است که در ابتدای آیات هر دو سیاق می‌توان این گزاره را یافت. با این تفاوت که در سیاق نخست، گفتمان توحیدمحور و نقطه مقابل آن بیان گردیده و در سیاق دوم، روی سخن به مؤمنان است و برای ایشان اوامر و فرمان‌هایی مطرح شده است و نیز الگوهایی در راستای نیل به مراحل توحیدی بیان شد.

۳. مرحله سوم، فهم بر مبنای بررسی سوره است. هر سوره آغاز و انجام مرتبط و هدف هماهنگی را دنبال می‌کند که این هدف در آیات سوره وجود دارد و در نهایت به نظم سوره منتج می‌گردد. تشویق به جهاد از راه‌های مختلف، هدف سوره است

که در این سوره در آیات مختلف و در قالب‌های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است.

۴. مرحله چهارم فهم سوره‌ها، فهم بر مبنای ارتباط یک سوره با سوره زوج یا هم گروه و در واقع ارتباط بینامتنی سوره‌ها است. سوره صف، با سوره جمعه ارتباط زوجیت دارند و در این راستا، شباهت‌های شکلی و محتوایی بسیاری در این دو سوره وجود دارد. سوره صف از جمله سوره‌های مسبحات محسوب می‌شود. سوره مسبحات سوری هستند که با تسبیح خداوند متعال آغاز می‌شوند. در سوره‌های مسبحات سیر منطقی و منسجم محتوایی وجود دارد که ایجاد ارتباط هم‌گروهی میان آن‌ها را می‌شود.

۵. به صورت کلی در مورد فهم ساده به پیچیده در سوره صف باید بیان داشت که مفردات سوره صف، سیاق‌های این سوره، کل سوره و ارتباط بین سوره‌ای، در موضوع لازم و ملزوم بودن ایمان و جهاد است و در این راستا کوچک‌ترین واحدهای سوره و نیز واحدهای بزرگ‌تر این مفهوم را به ذهن متبادر می‌نماید.

منابع

- **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۱. آقایی، سیدعلی (۱۳۸۸ش). انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش تفسیری فراهی -اصلاحی و حوی، **کتاب ماه دین**، ۱۲(۱۴۴)، صص ۷۱-۷۹.
- ۲. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی تا). **التحریر و التنبؤیر**، بی جا: بی نا.
- ۳. اسعدی، سوده؛ زارع زردینی، احمد؛ مطیع، مهدی؛ حری، ابوالفضل (۱۳۹۹ش)، نگرشی سیستمی بر پیوستگی فراکتالی ساختار سوره با تأکید بر افتتاح و اختتام (بررسی موردی سوره روم)، **پژوهش‌های ادبی قرآنی**، ۸(۴) پیاپی ۳۲، صص ۱-۳۳.
- DOI: 20.1001.1.23452234.1399.8.4.1.2
- ۴. امین، نصرت بیگم (بی تا). **مخزن العرفان فی علوم القرآن**، بی جا: بی نا.
- ۵. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۹ش). **چهره پیوسته قرآن**، تهران: مؤسسه پژوهش‌های قرآنی.
- ۶. بقاعی، ابوالحسن بن عمر (۱۴۱۵ق). **نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۷. ثعلبی، احمد بن محمد (بی تا). **الکشف و البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۸. حری، ابوالفضل (۱۳۹۰ش). درباره کتاب انسجام در قرآن، مطالعه مفهوم نظم در تدبیر در قرآن اثر اصلاحی، **کتاب ماه دین**، ۱۴(۱۶۳)، صص ۵۱-۵۹.
- ۹. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶ش). **ساختار هندسی سوره‌های قرآن**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰. ذوقی، امیر (۱۳۹۲ش). نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن، **مطالعات قرآن و حدیث**، ۶(۲) پیاپی ۱۲، صص ۱۵۱-۱۷۷.
- DOI: 10.30497/quran.2013.1471
- ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالشامیة.
- ۱۲. رجبی، محمود (۱۳۸۷ش). **روش تفسیر قرآن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۳. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالمعرفة.
- ۱۴. زرنوشه فراهانی؛ عترت دوست، محمد؛ عباسی، علی (۱۴۰۲)، الگوی بندگی خدا در ماه مبارک رمضان بر اساس تحلیل مضمونی دعاها ۴۴ و ۴۵ صحیفه سجادیه، **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، ۲۰(۲) پیاپی ۵۸، صص ۷۱-۹۳.
- DOI: 10.22051/tqh.2023.38836.3612

۱۵. سبحانی، علیرضا؛ ناصحی، محمد (۱۳۹۶ش). تأثیر تفسیر بر وقف و ابتدا با تکیه بر آراء ابو عمرو دانی و محمد خلف الحسینی (مطالعه موردی اختلافات در سوره مبارکه حدید)، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۵ (۲) پیاپی ۱۰، صص ۱۲۷-۱۴۴.

<https://doi.org/10.30473/quran.2017.3845>

۱۶. شحاته، عبدالله محمود (بی تا). *تفسیر القرآن الکریم*، قاهره: دارغریب.
۱۷. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰ش). *تفسیر پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی؛ هدایت اله مسترحمی و دیگران (بی تا). تهران: فراهانی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵ش). *تفسیر جوامع الجامع*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۱. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۹ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
۲۲. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق). *إعراب القرآن*، مصر: دار الصحابة.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۵. کرباسی، محمد جعفر (۱۴۲۲ق)، *إعراب القرآن*، بیروت: دار و مکتبه هلال.
۲۶. لسانی فشارکی، محمد علی؛ مرادی، حسین (۱۳۹۴ش). *سوره شناسی: روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم*، قم: انتشارات نصاب.

۲۷. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۶ش). چارقل، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۱۱، صص ۶۵۷-۶۵۸.

۲۸. محسن، محمد سالم (بی تا). *الکشف عن احکام الوقف و الوصول فی العربیة*، بیروت: دار الجیل.

۲۹. مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۵ش)، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، بی جا: انتشارات قلم مهر.

۳۰. مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر مراغی*، بیروت: دار الفکر.

۳۱. معرفت، محمد هادی؛ مولایی نیا، عزت الله (۱۳۷۳ش). *تناسب آیات*، قم: بنیاد معارف

۳۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین و همکاران (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران: ناهید.

۳۳. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸ش). *التفسیر الکاشف*، قم: بوستان کتاب.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامی.

۳۵. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). *کشف الاسرار و عدة الأبرار*، تهران: امیرکبیر.

۳۶. واعظی، احمد (۱۳۸۳ش). ساحت‌های معناپژوهی، *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۳۹، صص ۲۷-۴۰.

37. claude' Gillian and pierre Larcher (2003). Language and style of quran' in Jane Darnmen McAuliffe (ed)' Encyclopaedia of the quran' Leiden-Bosto: Brill" Vol3'pp.109- 135.



Resources

1. Aghaei, Ali (1388 SH). *Coherence in the Quran: From Theory to Practice, A Comparison of the Farahi-Reformist Exegetical Method. Ketab-e Mah-e Din*, No. 144. (In Persian)
2. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir (n.d.). *Al-Tahrir wa al-Tanweer*. Place: Publisher not mentioned. (In Arabic)
3. assadi, S., Zare' Zardini, A., Moti', M. and Horri, A. (2021). A Systemic Approach to the Fractal Cohesion of Surah Structure with Emphasis on Opening and Closing: the Case of Surah Ar-Rum. *Literary Quranic Researches*, 8(4), 1-33. (In Persian)
4. Amin, Nosrat Begum (n.d.). *Makhzan al-Irfan fi Ulum al-Quran*. Place: Publisher not mentioned. (In Arabic)
5. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1379 SH). *The Coherent Face of the Quran*. Tehran: Quranic Research Institute. (In Persian)
6. Baqa'i, Abul Hasan ibn Umar (1415 AH). *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. (In Arabic)
7. Tha'labi, Ahmad ibn Muhammad (n.d.). *Al-Kashf wa al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
8. Horri, Abolfazl (1390 SH). *On the Book "Coherence in the Quran: A Study of the Concept of Nazm in Tadabbur al-Quran" by Islahi. Ketab-e Mah-e Din*, No. 163. (In Persian)
9. Khamagar, Mohammad (1386 SH). *The Geometric Structure of Quranic Surahs*. Tehran: Islamic Propagation Organization. (In Persian)
10. Zowqi, A. (2013). A New Approach to the Study of the Textual Cohesion of the Surahs of the Holy Quran. *Quran and Hadith Studies*, 6(2), 151-177. doi: 10.30497/quran.2013.1471 (In Persian)
11. Raghieb Isfahani, Husayn ibn Muhammad (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Shamiyya. (In Arabic)
12. Rajabi, Mahmoud (1387 SH). *Methods of Quranic Exegesis*. Qom: Research Center of Hawza and University. (In Persian)
13. Zarkashi, Muhammad ibn Abdullah (1410 AH). *Al-Burhan fi Ulum al-Quran*. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabic)
14. Zarnooshe Farahani, H. , Etrat Doost, M. and abbasi, A. (2023). The pattern of serving God in the month of Ramadan Based on the thematic analysis of prayers 44 and 45 of Sahifa Sajjadih. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 20(2), 71-93. doi: 10.22051/tqh.2023.38836.3612 (In Persian)

15. Sobhani and Nasehi, M. (2017). Commentary Impact on the Pausing and Starting in Quran with Emphasis on Abū Amr Dānī and al-Husaynī Ideas (Case Study Surat al-Hadīd). *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 5(2), 127-144. doi: 10.30473/quran.2017.3845 (In Persian)
16. Shahateh, Abdullah Mahmoud (n.d.). *Tafsir al-Quran al-Karim*. Cairo: Dar Gharib. (In Arabic)
17. Taleqani, Seyyed Mahmoud (1360 SH). *Partovi az Quran (A Ray from the Quran)*. Tehran: Sherkat-e Sahami-e Enteshar. (In Persian)
18. Tabatabai, Seyyed Mohammad Husayn (1374 SH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Jame'eh Modarresin. (In Persian)
19. Tabrasi, Fadl ibn Hasan (n.d.). *Translation of Majma' al-Bayan*. Tehran: Farahani. (In Persian)
20. Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1996). *Tafsir Jawami' al-Jami'*. Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Persian)
21. Tayyib, Seyyed Abdolhossein (1369 SH). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Islam. (In Persian)
22. Alwan, Abdullah ibn Nasih (1427 AH). *I'rab al-Quran*. Egypt: Dar al-Sahaba. (In Arabic)
23. Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
24. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 SH). *Al-Jami' li Ahkam al-Quran*. Tehran: Nasir Khosrow. (In Arabic)
25. Karbasi, Mohammad Jafar (1422 AH). *I'rab al-Quran*. Beirut: Dar wa Maktabat Hilal. (In Arabic)
26. Lesani Fasharki, Mohammad Ali; Moradi, Hossein (1394 SH). *Surah Studies: Structural Research Methodology in the Holy Quran*. Qom: Nasiyeh Publications. (In Persian)
27. Mohsen, Muhammad Salim (n.d.). *Al-Kashf an Ahkam al-Waqf wa al-Wasl fi al-Arabiyya*. Beirut: Dar al-Jeel. (In Arabic)
28. Moradi Zanjani, Hossein; Lesani Fasharki, Mohammad Ali (1385 SH). *Thematic Research Methodology in the Holy Quran*. Place: Ghalam-e Mehr Publications. (In Persian)
29. Maraghi, Ahmad Mustafa (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
30. Ma'rifat, Mohammad Hadi; Molaei-Nia, Izzatullah (1373 SH). *Tanāsub al-Ayat*. Qom: Islamic Ma'arif Foundation. (In Persian)

31. Khorramshahi, Bahauddin et al. (1377 SH). *Encyclopedia of the Quran and Quranic Studies*. Tehran: Nahid. (In Persian)
32. Mughniyah, Mohammad Jawad (1378 SH). *Tafsir al-Kashif*. Qom: Bustan-e Ketab. (In Persian)
33. Makarem Shirazi, Nasser (1374 SH). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
34. Meybodi, Ahmad ibn Muhammad (1371 SH). *Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
35. Vaezi, Ahmad (1383 SH). *Dimensions of Semantic Research*. *Hawza va Daneshgah Journal*, No. 39. (In Persian)
36. Claude Gilliot & Pierre Larcher (2003). *Language and Style of the Quran*. In Jane Dammen McAuliffe (Ed.), *Encyclopaedia of the Quran*, Vol. 3, pp. 109–135. Leiden-Boston: Brill. (In English)

